

آیا جریان اصلاحات یک طیف به هم پیوسته و متحد است و هیچ اختلافی بین آنها وجود ندارد؟

در پاسخ به سؤال فوق باید گفت که اصلاحات نیز مانند هر جریان سیاسی دیگر یک طیف است و متشکل از خرده جریانات یا احزابی است که هر یک ترجیحات خاص خود را دارند. می توان دسته بندی زیر را برای ترسیم بخش های مختلف این جریان سیاسی برگزید:

۱- احزاب کوچک و میانه رو

این احزاب فاقد امتداد سیاسی و اجتماعی هستند و در ساختار تصمیم گیری و سهم دهی اصلاح طلبان هم تأثیر چندانی ندارند. بعضاً متهم به مماشات با سیستم یا عبور از آرمان های اصلاحات می شوند و از این رو اصلاح طلب درجه دوم خوانده می شوند. موجودیت این طیف وابسته به تنها چهره شناخته شده شان یعنی دبیر کل یا همان مؤسس است که حزب مردم سالاری، ندا و خانه کارگر از این دسته هستند.

۲- احزاب کوچک و تندرو

مانند دسته قبل، متکی به یکی دو نفر و فاقد پشتوانه تشکیلاتی گسترده هستند. در عین حال مؤثرین آنها نیروهای قدیمی جریان اصلاحات اند که ریشه در چپ سنتی دارند و در تمایز با گروه نخست، به دلیل تندروی امکان حضور در انتخابات ها را ندارند که بهترین نمونه این طیف نیز مجمع نیروهای خط امام^(۱) است.

۳- احزاب مهم و میانه رو

دو حزب کارگزاران سازندگی و اعتدال و توسعه به نگاه عملگرایانه شهره هستند، قائل به تقدم توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی اند و نسبت به عدالت التفتات کمتری دارند. کارگزاران از موضع پدرخواندگی اصلاحات، معروف است که ساز خود را می نوازد. در حالی که اعتدال و توسعه به محافظه کاری میل می کند و معتقد به پیوند تاکتیکی با اصلاح طلبان است و پس از سال ۹۲ خود را نه جزئی از اصلاحات، بلکه مؤلف آنها قلمداد می کند. این دسته برای انتخابات ۱۴۰۰ نیز بدنبال معرفی و حتی تحمیل چهره خود به کل جریان اصلاحات است.

۴- احزاب مهم، مؤثر و تندرو

حزب اتحاد ملت شاخص ترین نمونه از این جهت است. آنها در بستن لیست های انتخاباتی و توزیع مناصب نفوذ بالایی دارند و از نظر دامنه تشکیلاتی و تعدد شعبات و برگزاری نشست ها فعالیت چشمگیری دارند.

تندروی آنها ناشی از عقبه تشکیلاتی است که به جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌رسد. ایده‌پردازی و گفتمان سازی در بدنه جامعه و بخش نخبگی کشور نیز عمدتاً توسط این طیف طراحی می‌شود.

در این زمینه توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

۱- این بخش مقدماتی به ما این کمک را می‌کند تا تصور نسبتاً دقیق‌تری از اصلاح‌طلبان و اساساً جریان اصلاحات بوجود آید. با این توضیحات این نکته مهم را باید مورد تأکید قرار داد که رفتارها و روند رادیکالیسم که مدتی است در جریان اصلاحات پدید آمده عمدتاً تحت تأثیر برنامه‌ها و اقدامات بخش چهارم و رادیکال جریان اصلاحات است. نامه سرگشاده موسوی خوئینی‌ها به رهبر معظم انقلاب و نیز حمایت‌هایی که از این نامه به عمل آمد به طور کامل در این قسمت از جریان اصلاحات طراحی و اجراء شد.

۴- درست است که جریان اصلاحات یک طیف فکری کم‌وبیش گسترده است و رفتارها و کنش‌گری این‌ها در عرصه سیاست ابعاد مختلفی دارد، اما با این حال ناگفته پیداست که تأثیرگذارترین بخش جریان اصلاحات همین دسته چهارم هستند و بالطبع اقدامات ساختارشکنانه آنها باید با دقت مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. نقطه کانونی پیدایش تقریباً همه فتنه‌ها و چالش‌های کشور در چند دهه اخیر این افراد و گروه‌های رادیکال بوده‌اند.